

## قاجار و هنر عکاسی در ایران قرن ۱۹م.

اوزون، تولگا

مترجمان: صادق محمدزاده<sup>۱</sup>

شادی جنگی<sup>۲</sup>

### چکیده

اواخر سده ی ۱۸م. حاکمیت خاندان قاجار بر ایران قرن ۱۸م. (۱۹۲۵-۱۷۹۷) معنی دوره غرب زدگی برای این کشور را دارد. در این عصر همزمان با اصلاحاتی که در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و نظامی، دانشگاه های مدرن و آکادمی های هنر انجام گرفت، تلاش گسترده ای برای رسیدن به آنچه که اقتضای آن زمانه بوده است، شد. ایرانیان در اواخر سلطنت محمدشاه (۱۸۳۴-۱۸۴۸) چند نمونه عکاسی انجام داده اند. اما عکاسی ایران در دوره ی اوج قدرت ناصرالدین شاه، توسعه و گسترش یافت. ناصرالدین شاه، عکاسی را که یکی از مهمترین اختراعات قرن ۱۹ بود شخصا انجام داده و در ایجاد صدها آلبوم عکس به همراه عکاسان اروپایی و ایرانی در آتلیه ای که در کاخ خود ساخته بود سهم داشته است.

**کلیدواژه ها:** قاجارها، ناصرالدین شاه، عکاسی، ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تمدن م لا اسلامی دانشگاه تهران، amirsadegh72@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی لا رشناسی ارشد تاریخ و تمدن م لا اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین

## سخن مترجم

مدرنیته و در ابتدا اصلاحات نظامی و سپس آموزشی و فرهنگی در قرن ۱۹ در ایران در واقع با نوعی غربی شدن همراه بود. استارت اولیه این اصلاحات در زمینه ی نظامی و توسط عباس میرزا با درک کاستی های نظامی ایران در برابر نیروی روس ها و شکست ایران در جنگ زده شد. مدرنیته به عنوان جریانی فراگیر که از مدت ها قبل کشورهای اروپایی آن را تجربه کرده بودند، به تدریج مراکز مهم جهان اسلام همچون دولت عثمانی، مصر و ایران را نیز فراگرفت و دولت ایران ناگزیر در مسیر این جریان گرفت. در کنار سایر اصلاحات، عکاسی در واقع همچون ابزاری برای نشان دادن قدرت شاهان قجری برای همسایگانشان از جمله دولت عثمانی بود.

## مقدمه

از دیدگاه بسیاری از نویسندگان اواخر قرن ۱۸م. که خاندان قاجار ایران را تحت حاکمیت خویش داشتند، عصر مدرنیته برای ایران است. پس از سلطنت بنیانگذار این سلسله (آقا محمدخان قاجار ۱۷۹۷-۱۹۷۶) و به دنبال آن در طول دوره ی سلطنت فتحعلی شاه، که مورد تهدید سیاست های توسعه طلبانه ی روسیه قرار داشت (۱۷۹۷-۱۸۳۴)، وبا شکست ایران در درگیری های بین دو کشور، به طور خاص قراردادهایی مانند گلستان و ترکمانچای که مفاد آن بر علیه ایران بود منعقد شد، در اثنای درگیری ها با روسیه، شاهزاده عباس میرزا که فرماندهی ارتش را در آذربایجان بر عهده داشت ضرورت نوسازی در زمینه نظامی را درک کرد و تشکیل یک لشکر جدید با عنوان نظام جدید را فراهم آورد و ایران در این عصر که دوره شروع افزایش مناسبات رسمی و دولتی با کشور های اروپایی بود، بسیاری از نوسازی ها را در معنی غربی شدن اتخاذ کرد و عباس میرزا پیشوای چنین جریاناتی در کشور بود.<sup>۱</sup> اصلاحات پس از محمدشاه (۱۸۳۴-۱۸۴۸)، متوقف و در زمان ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶) پس از دوره ای که روسیه پیشرو بود، بصورت یک سیاست دولتی درآمد. ناصرالدین شاه نخستین شاه ایرانی بود که به اروپا سفر کرد.<sup>۲</sup> شاه در طی سفرهایش در سال های ۱۸۷۳-۱۸۷۸-۱۸۸۹ بود،<sup>۳</sup> کشورهای اروپایی را از نزدیک دیده و سیستم زندگی به

<sup>۱</sup>. لشکر جدیدی که عباس میرزا تحت عنوان نظام جدید تشکیل داده بود، تاحدود زیادی از لشکر هم نامش در دولت عثمانی اقتباس شده بود. استفاده از یونیفورم به سبک غربی و اعزام نخستین گروه دانشجویان به اروپا نیز از اقدامات نوسازی به رهبری عباس میرزا بود. (امانات؛ ۱۹۹۸، ۲۲، ۲۳)

<sup>۲</sup>. ناصرالدین شاه نخستین شاه ایرانی است که نه تنها به اروپا، بلکه به امپراطوری عثمانی نیز سفر کرد. ناصرالدین شاه پس از سفرش به مکان های زیارتی شیعه مانند؛ کربلا، نجف، کاظمین و سامرا که در داخل مرزهای عثمانی قرار داشت در هنگام بازگشت از اولین سفر اروپایی خود در سال ۱۸۷۳، سری به استانبول زد.

<sup>۳</sup>. ناصرالدین شاه در اولین سفر اروپایی خود در سال ۱۸۷۳، از شهرهای مسکو، سن پترزبورگ، برلین، کلن، بن، فرانکفورت، بروکسل، لندن، پاریس، جنوا، تورین، سالزبورگ و وین دیدن کرد. در هنگام بازگشت از سفر، استانبول و

سبک اروپایی و اندیشه های غربی را در سطح گسترده ای پذیرفته و در زمینه تشکیلات دولتی و اقتصادی نیز اصلاحات گسترده ای را انجام داد. در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه و در سال ۱۸۵۹ برای ایجاد ارتباط و مناسبات با دنیای خارج، تلگراف وارد ایران شد. در سال ۱۸۷۰ یک سیستم جدید پستی ایجاد و در همان سال ها، انرژی گازی و روشنایی برق وارد تهران شد (ورنویت، ۱۹۹۷، ۱۰۷-۱۰۸).

اقدامات انجام شده در زمینه اصلاحات در قرن ۱۹، کشور ایران را بیش از پیش به اروپا و روسیه نزدیکتر کرد، چنانکه روابط این کشور ها در منطقه در راستای تامین منافع سیاسی و اقتصادی به صورت یک رقابت درآمده بود، و در اواخر قرن ۱۶م. با سفرهای ناپلئون به مصر آغاز و سپس به سمت خاورمیانه جریان پیدا کرد. پیدایش علمی مانند قوم نگاری و باستان شناسی باعث کشف آثار باشکوه تاریخی متعلق به تمدن های باستانی از طریق حفاری در این منطقه شد.

### نخستین عکاسی ها در ایران

دوره ای که نزدیکی بین ایران و اروپا افزایش می یافت، عکس در فرانسه سال ۱۸۳۹ اختراع شد و پس از مدت کوتاهی در دربار قاجار به کار گرفته شد. در طول سلطنت محمدشاه قاجار در سال ۱۸۴۴، فردی فرانسوی بنام ژول ریشار (۱۸۱۸-۱۸۹۱)، به درخواست محمدشاه، عکس ناصر میرزا (بعد ها ناصرالدین شاه لقب گرفت) و خواهرش را که در تبریز بودند، گرفت. در ۵ دسامبر ۱۸۴۴ در عکس هایی که با روش داگرتیپ<sup>۱</sup> گرفته بود لوازم بکار گرفته شده، از سوی ملکه ی انگلستان (ویکتوریا) و پادشاه روس؛ نیکولاس اول به دربار هدیه داده شده بود ( افشار، ۱۹۹۲، ۲۶۲). احتمالاً ژولس ریچارد دستور کارهای دیگری نیز از محمد شاه دریافت کرده بود اما در زمینه ی این سفارشات و دیگر عکس ها و کارهایی که انجام گرفته اطلاعات کافی در دست نیست و عکس هایی که در قسمت آلبوم خانه ی کاخ موزه ی گلستان وجود دارد با توجه به امضایی که در پایین عکس ها زده شده می توان دریافت که این عکاس در دوره ناصرالدین شاه نیز همراه با

تفلیس را نیز دید. سفر دوم و سوم شاه به ترتیب در سال های ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ اتفاق افتاد. خاطرات روزانه شاه در خلال این سفرها چاپ شده است. (نک: قاضیها، ۱۹۹۸) و (قاضیها، ۲۰۰۰)

<sup>۱</sup> هرچند هدف ریچارد از آمدن به ایران نامعلوم است، اما به دلیل تسلط او به چند زبان غربی، در دارالفنون که در سال ۱۸۵۱ تاسیس شد معلم شد. مشخص است که او مسلمان شد و نام خود را به رضا تغییر داد. (استین، ۱۹۸۹، ۱۱۲، وورمن و مارتین، ۱۹۹۹، ۲۰).

<sup>۲</sup> گرفتن اولین تصویر که شروع عکاسی شمرده می شود در شهر کلون سورسن فرانسه توسط نیسفور نیپس و در سال ۱۸۲۶ به وقوع پیوست. از طرف همکارش لوئیس ژاکوئیس موندو داگورا (۱۷۸۷-۱۸۵۱) که فعالیت هایش را به وی واگذاشت و تکنیک داگوراتایپ که به اسم خودش نام برده می شود را ایجاد کرد. اما این روش قادر به ثبت تنها یک عکس بود. این کشف در ۱۹ آگوست سال ۱۹۳۹ از سوی آکادمی علوم فرانسه اعلان همگانی شد.

دیگر عکاسان خارجی کار خود را ادامه داده است. امضای رضا عکاس باشی، سندی بر مسلمان شدن ژول ریشار و انتخاب نام رضا عکاس باشی و همچنین ریاست عکاسخانه ی سلطنتی می باشد. نخستین افراد در توسعه و پیشرفت این هنر اروپاییان و غربیانی بودند که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه برای ماموریت های رسمی به ایران می آمدند. در میان آن ها اروپایی دیگری که برای دربار قاجار کار می کرد و در سال ۱۸۴۸ برای آموزش پیاده نظام و فرماندهی دعوت شده بود سرهنگی ایتالیایی بنام لوئیجی پسه بود (از سال ۱۸۴۸ نقش موثری دارد). با رد سفارشی که ناصرالدین شاه به ژولس ریچارد (رضا عکاس باشی) کرده بود مبنی بر ایجاد آلبومی از تصاویر شهرهای باستانی پرسپولیس و تهران که نمی توانست به روش داگوراتایپ انجام دهد. (وورمن و مارتینز، ۱۹۹۹: ۲۰)، بجای ریچارد سرهنگ پسه عهده دار این کار شد. آلبوم هایی که سرهنگ پسی از تصاویر آثار تاریخی شهرهای پرسپولیس و تهران بوجود آورد بعد ها در سال ۱۸۶۲ در نمایشگاه بین المللی لندن به نمایش گذاشته شد و باز هم در سال ۱۸۶۲، یکی از اعضای هیئت سیاسی، بنام فوچتی که از ایتالیا آمده بود، نخستین کسی بود که در ایران تکنیک عکاسی کلودیون مرطوب را مرسوم ساخت. فوچتی بعد ها از طرف شاه به عنوان معلم برای دارالفنون<sup>۱</sup> گماشته شد ( وورمن و مارتینز، ۱۹۹۹: ۲۱). در سال ۱۸۵۱ آگوست کارل کریزی که با یک هیئت اتریشی وارد ایران شد، عکاسی بر روی کاغذ را انجام داد. در سال ۱۸۵۷ از اعضای هیئت فرانسوی؛ چارلی و هنری کولیووف، د. بلکوتلو، در زمینه عکاسی فعالیت می کردند و بعد ها بلکوتلو از طرف ناصرالدین شاه به عنوان عکاس سلطنتی به کار گماشته شد.

لوئیجی منتابون (د: ۱۸۷۷) که عضو دیگری از هیئت ایتالیایی در ایران بود، در سال ۱۸۶۲ از ۶۲ آلبوم رونوشت گرفت و در سال ۱۸۶۷ این عکس ها در نمایشگاه بین المللی به نمایش گذاشته شدند. و عکاسش جایزه ی مانسیون دریافت کرد. پس از این مراحل اولیه ی فعالیت های عکاسی، عکاسان غربی در ایران از سال ۱۸۷۰ به صورت سیستماتیک و علمی فعالیت می کردند. در میان آن ها کسانی همچون فرانس استولز، ژان دیولافیه، ژاکوب دمورگان و فردریک ساره باستان شناس معروف و در میان محققان نیز ایزابل لوسی بی شاپ-بیرد، آلبرت پی. اچ. هاتز، و گرترد بل جهانگرد معروف قرار دارند. در میان افراد معروف دیگری که با هدف تجاری فعالیت

<sup>۱</sup> با روی کار آمدن میرزا تقی خان امیر کبیر به عنوان صدراعظم نخستین سال های سلطنت ناصرالدین شاه و تاسیس مدرسه ی فنون نظامی، دارالفنون قبل ها برای لشکر مهندس، فیزیکدان، نظریه پرداز و موسیقی دان تربیت می کرد. سال های پس از مرگ امیر کبیر، علوم پزشکی، علوم طبیعی، تاریخ، جغرافی و در کنار رشته های مختلف هنر های زیبا، دانشکده های علوم سیاسی و روابط بین الملل نیز برای آموزش کارمندان اداری و دیپلمات ایجاد شد. کادر آموزشی مدرسه از معلمان اتریشی، فرانسوی، ایتالیایی و ایرانی تشکیل می شد. برای اطلاعات بیشتر درباره ی این مدرسه ی مدرن در آن زمان به (اختیار؛ ۱۹۹۴) رجوع کنید.

عکاسی در ایران را ادامه می دادند کسانی مثل ارنست هاتزر و آنتوان سوروگین را می توان نام برد ( وورمن و مارتینز، ۱۹۹۹: ۲۱).

### عکاسی در دربار و فعالیت های ناصرالدین شاه در این زمینه

واضح است که در نیمه ی دوم قرن ۱۹ و در طول دوره ی سلطنت ناصرالدین شاه، عکاسی و هنر عکس گرفتن از توجه بسیاری برخوردار بود. بسیاری از منابع مختلف مربوط به آن دوره از یک آتلیه عکاسی در قسمتی از کاخ گلستان که محل سکونت خاندان قاجار بود خبر می دهند. اثر اعتمادالسلطنه بنام مرآت البلدان ناصری که وقایع سال ۱۸۶۳ را آورده است اختصاص یک آتلیه از طرف پادشاه برای عکاسی را بیان می کند. ( خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی بر این علم اطلاع تمام یافته برآن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان خلوت همایون نیز در این فن مهارتی تمام یابد که سفرأ و حضرأ به موجب امر قدر ملوکانه، آشنا و غریبه و ابنیه و آثار قدیمه را عکس بردارد و خاطر مبارک همایون را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد).

آنچه از متن فوق مشخص است عکاسی در ایران در سال های ۱۸۶۰ به عنوان یک علم مورد قبول واقع شده است. در واقع این ترکیب هنر های زیبا و تکنولوژی؛ این نوع از شیوه ی تولید تصاویر تازه، قبل ها به عنوان یک انقلاب در تکنولوژی دیده می شد و به کسانی که در ایران این کار را انجام می دادند مهندس گفته می شد. به هر حال واژه ی عکس که هم در فرانسه و هم در زبان ترکی یک بار معنایی را دارد برای فتو (عکس) بکار رفته است و برای کسی که این کار را انجام می دهد ترجیحاً لفظ عکاس بکار برده شد. کلمه ی عکاسخانه هم که از همین ریشه گرفته شده ( استودیو عکاسی) و عکاس باشی (عکاس دربار) دیگر کلمات مرتبط در این زمینه هستند. اختصاص یک آتلیه برای عکاسی در کاخ شاهنشاه از دوران ولیعهدی ناصرالدین شاه نشانگر شناخت و افزایش اهمیتی است که وی به عکس و عکاسی داشت. بنابراین، عکاسخانه ماهیت اولین استودیو عکاسی رسمی را در ایران داراست.

در آتلیه که فعالیت شخصی شاه بدور از تاثیرات دربار در این زمینه انجام می گرفت، تصویری از مسافرت شاهنشاه و درباریان، مراسمات رسمی و دولتیان گرفته می شد. اولین عکس هایی که ناصرالدین شاه شخصا گرفته است به روش کلودیون مرطوب بود. و عکس هایی با همین روش از زنان حرم خود از امضایی که بر پایین عکس ها دارد مشخص می باشد و احتمالاً با هدف نشان دادن غیر ممکن بودن ورود مرد دیگری به حرم گرفته می شد. غیر از عکس زنان حرم، عکس بناهای متعلق به خاندانی که در تهران بودند گرفته شد. با فرستادن عکاسان و گرفتن عکس از مکان های دوری که خود نمی توانست برود، آلبوم هایی ایجاد کرد ( تهماسب پور، ۲۰۰۲: ۲۷۴). به درخواست ناصرالدین شاه در دارالفنون و در ساختار بخش کیمیا در رابطه با عکاسی وحدتی ایجاد شده بود. در پایین بعضی عکس هایی که در کاخ موزه ی گلستان نگه داری می شوند عبارت

عکاسخانه ی سلطنتی و در پایین بعضی دیگر نیز عبارت آتلیه ی عکاسی مدرسه ی دارالفنون دیده می شود و با این روند دو مرکز رسمی عکاسی که یکی برای دربار سلطنتی و دیگری برای انجام امور دولتی کار می کرد وجود داشت. همکاری و حمایت دربار در آن دوره راه را برای انتشار مطالبی در زمینه ی عکاسی به زبان فارسی باز کرد. این نشریات به صورت کتاب، رساله و به شکل مقاله هایی در روزنامه ها بود. و چگونگی عکس گرفتن، چگونگی شستن نگاتیو عکس ها و چگونگی تکثیر آن ها را بیان می کردند. از مهمترین آن ها کتاب عکاس بود که به دستور ناصرالدین شاه در آن سال ها برای محمد کاظم بن احمد محلاتی که معروف به میرزا کاظم خان چیمی ( ۱۲۵۰- ۱۳۱۳ ه.ق) و در دارالفنون به عنوان معلم مشغول بود تهیه شده و یکی از اولین ها در این زمینه بود. و یکی دیگر، ترجمه ی کتاب فن عکاسی توسط آنتوان خان (آنتوان سوروگین) بود که در زمان ولایتعهدی مظفرالدین شاه در تبریز ترجمه شد، تاریخ تالیف کتاب ۱۲۹۵/۱۸۷۸ م. می باشد. در جلد سوم کتاب مرآت البلدان ناصری اعتماد السلطنه، تقریباً دو صفحه به کاربرد عکاسی و اصول و پیشینه ی تاریخی اش پرداخته است. اثری که قواعد عکس و تلگراف نام دارد اثریست که به احترام و پیشکش به والی خراسان؛ محمد تقی میرزا رکن الدوله و حاجی مهدی قلی خان سهام الملک در سال ۱۲۹۸/۱۸۸۰ م. توسط حسن بن علی رضا لاهیجی نجفی نوشته شده است (افشار، ۱۹۹۲: ۲۷۴). اثر صنعت عکاسی<sup>۱</sup> از عکاس پاپازیان که نامش در عکسهای آلبوم کاخ موزه ی گلستان که بیشتر مناظر شهری در آن ها جای داده شده، دیده می شود و علم عکاسی جدید<sup>۲</sup> از گارنیک خان دالکچیان نیز مابین دیگر آثار است.

### آلبوم عکس ها و موضوعات آن

امروزه اکثر آلبوم عکس های یاد شده در تهران و کاخ موزه ی گلستان نگه داری می شود. آلبوم عکس هایی که شامل قریب ۴۲۰۰۰ تصویر و متعلق به دوره ی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و قسمتی دوره ی احمد شاه می باشد را می توان بر اساس موضوعات آن ها دسته بندی کرد. دسته ی اول را می توان عکس های درباری گفت که در راس آن ها شاه به تنهایی به تصویر کشیده شده است و دیگر عکس هایی که همراه با درباریان و دسته جمعی گرفته شده است. علاوه بر اکثر عکس هایی که از طرف عکاسان سلطنتی گرفته شده، عکس های گرفته شده توسط شاه از خودش نیز موجود است (عکس ۱-۲، نک: ۳۶۸۸). در دسته ی دیگر شامل عکس هایی که مادر شاه مهدعلیا، همسران وی در حرمسرا (عکس ۳، نک: اس. ۳۶۸۹)، شاهزادگانی که از این همسران

<sup>۱</sup> پاپازیان، صنعت عکاسی، تهران، ۱۳۴۷، نسخه ای از این اثر امروزه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با مشخصات ش: ۳۹۶۶، موجود است.

<sup>۲</sup> دالکچیان، گارنیک خان، علم عکاسی جدید، تهران، ۱۳۲۸

به دنیا آمده بودند (عکس ۴، نک: اس. ۳۶۸۹)، فرزندان دخترشاه (عکس ۵، نک: اس. ۳۶۸۹) و دیگر همسران وی در حرمسرا جای می گیرند. اعضای خاندان، کارمندان دولتی عالی رتبه در دربار (عکس ۶، نک: اس. ۳۶۹۰)، خدمه، نگهبانان، آشپزها و عکس هایی که شامل خانواده ایشان است دسته دیگری از عکس ها را تشکیل می دهد. عکس هایی که از شاه در خارج از دربار گرفته شده، غالباً عکس هایی هستند که لحظاتی از سفرهای خارجی و داخلی و شکار او را نشان می دهند. دسته دیگر که در راس آنها تصاویر شهرهای تهران و تبریز (عکس ۷، نک: اس. ۳۶۹۰) و شیراز و دیگر شهرها و عکس های هوایی آنها، و بناهای قدیمی باقی مانده در آنها (عکس ۸، نک: اس. ۳۶۹۱)، مسجد جامع (عکس ۹، نک: اس. ۳۶۹۱)، مدرسه، امام زاده ها و اکثراً تصاویری از ساختار شهری دوره قاجار را شامل می شود. تصاویر مردمان این شهرها نیز در همان آلبوم گنجانده شده است. این عکس ها که در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه توسط لوئیجی پسه گرفته شده اند همراه با کارهای پایازبان در سال های بعدی سلطنت آلبوم هایی را تشکیل می دهند. عکس هایی که به طور عمده دسته های شغلی در تهران: آهنگران، نوازندگان (عکس ۱۰، نک: اس. ۳۶۹۲)، سمساری ها (عکس ۱۱، نک: ۳۶۹۲)، گدایان به همراه اهل طریقت و درویشان را در خود جای داده اند. مجرمان سیاسی دسته دیگری هستند که عکس آلبوم ها را تشکیل می دهند. به غیر از اینها، عکس هایی که چه در داخل و چه در خارج از دربار، مراسمات مذهبی و رسمی، عیش و نوش، مسابقات ورزشی و نیروهای نظامی را نشان می دهند نیز جای دارند. می توان گفت، امروزه عکس هایی که در آلبوم خانه کاخ موزه گلستان نگهداری می شوند، از لحاظ تقسیم بندی در سه گروه عمده جمع بندی می شوند؛ دسته اول عمدتاً عکس هایی که در آلبوم های با صفحات زیاد جای داشته اند. در دسته دوم آن هایی که تک عکس اما به صورت پاسپارتو می باشند. دسته سوم نیز فقط عبارتند از عکس ها. در زیر عکس هایی که به صورت پاسپارتو هستند گاهی اسم کسی که عکس را گرفته، اینکه چه کسانی در عکس جای گرفته اند، گاهی اوقات تاریخ و گاهی نیز نظرات مربوط به موضوع عکس ها آورده شده است. در روی عکس هایی که درون پاسپارتو هستند، نوشته ها مستقیماً روی عکس ها نوشته شده است. بر روی عکس هایی که از ناصرالدین شاه و مخصوصاً عکس هایی که در حرمسرا از وی گرفته شده است چنین نوشته هایی دیده می شود. به عنوان نمونه، "این عکس من، از طرف خودم در اندرونی گرفته شده است." و یا مانند "این دو عکس را با لوازم عکاسی که با پول از اروپا خریدم، گرفته ام. تاریخ ۸ شعبان ۱۳۰۷ بود (۳۰ مارس ۱۸۹۰)، ۸ روز بعد از سال نو، خودم را خیلی بیمار و بی حوصله حس می کنم." گاهی اوقات این نوشته ها با حروف لاتین و بیشتر به فارسی نوشته شده است. آنهایی که با حروف لاتینی نوشته شده اند، عموماً باید از طرف خارجیانی که کارهای درباری می کردند و یا عکاسان خارجی که در دربار کار می کردند نوشته شده باشد. در عکس هایی که به صورت پاسپارتو هستند، با صنعت تذهیب و برجسته سازی

نیز می توان روبرو شد. عکس هایی اینچنین، بیشتر پرتره ای از ناصرالدین شاه و یا اشخاص عالی رتبه هستند. در دیگر عکس ها نیز گاهی اوقات یک خط راست دورتادور عکس کشیده شده است. پشت زمینه تصویر شخصی که عکسش به صورت پرتره گرفته می شد، گاهی یک پرده صاف تیره رنگ، و گاهی نیز پرده ای دارای منظره بود. ایرانیان از طریق معرفی توسط هیئت های میسیونر خارجی که در اواسط قرن به این کشور آمده بودند، با عکس آشنا شدند و بلافاصله برای یادگیری عکاسی به اروپا رفتند. از میان ایشان عبدالله قاجار (۱۸۴۹-۱۹۰۹) که معروفترین شخص و یکی از اعضای خاندان بود را می توان نام برد. و نیز علاقه ای که خود ناصرالدین شاه به عکاسی داشت و آشنایی با تکنیک های عکاسی که طی سفرهایش به اروپا فراگرفته بود حمایت دربار را در وارد ساختن عکاسی و انواع تکنیک ها به ایران را فراهم آورد. به غیر از عکاسخانه ی سلطنتی و رشته عکاسی ای که در دارالفنون تاسیس شده بود گشودن آتلیه های عکاسی با اهداف تجاری چه در منابع و چه در اسامی استودیوهایی که بر روی عکس ها نوشته شده، قابل فهم است. معروفترین این ها استودیوی آنتوان سوریوگین است که به آنتوان خان معروف بود. پس از به توپ بسته شدن مجلس در سال ۱۹۰۸، مغازه ی عکاسیش که در بلوار فردوسی قرار داشت خسارت دید، بعد از مرگش نیز توسط همسر و دختر وی برای مدتی دیگر به کار ادامه داد. همزمان با آنتوان خان، روشی خان نیز در همان بلوار فردوسی یک استودیو عکاسی داشت ( افشار، ۱۹۹۲: ۲۷۲).

### ارزیابی بر پیکرنگاری عکس ها

آلبوم های عکس دوره قاجار، شامل عکس های بی نظیری در زمینه ی تشکیلات درباری، ساختار و حیات اجتماعی ایران در نیمه دوم قرن ۱۹ و نشان دهنده طرز پوشش آن عصر است. اما از میان آن ها مخصوصا پرتره هایی که در راس آن ها ناصرالدین شاه و دیگر طبقه ی حاکمان عالی رتبه جای دارند از جایگاه مهمی برخوردارند. در میان شاهان قاجار، فتحعلی شاه پرتره را بعنوان ابزاری برای تبلیغات سیاسی از سوی حاکمان غربی می دانست و درست در همان سال ها مانند سلطان سلیم سوم که در کشور همسایه اش عثمانی بر تخت نشسته بود (سلطنت: ۱۷۸۹-۱۸۰۹)، پرتره هایش را به عنوان هدیه ای سیاسی برای حاکمان دیگر کشورها فرستاد. اثرات چهره نگاری که در بوم های نقاشی رنگ روغن در اندازه های بزرگ، در جلد کتاب ها با تکنیک لاک، در تصاویر آلبوم و در نسخ خطی مصوری که مربوط به متنش بود قابل مشاهده است به صورت یک تشریفات در آمد و در دوره ی محمد شاه نیز ادامه داشت (اوزون، ۲۰۰۵: ۷۶-۸۹). ناصرالدین شاه نیز علاوه بر تداوم همه ی شیوه های دوران فتحعلی شاه و محمدشاه، عکاسی را به گونه ای گسترده به عنوان ابزاری موثر و اقتصادی در گسترش و عینی کردن تصورات خود، بکار برد. این عکس ها که بخش قابل توجهی از آن ناشی از تحت تاثیر قرار گرفتن شاه از چهره نگاری بود، اساس و پایه چهره نگاری های انجام شده توسط وی با انواع تکنیک ها شد. هنرمندان با استفاده از عکس های



شاه، برای رسیدن به واقعیت عکاسی تلاش می کردند. نمونه ای این چینی که اساس و پایه ی عکس های آلبومی را شکل می دهد امروزه در یکی از عکس های موزه ی هنر متروپولیتن در نیویورک (1977، ش. ۲۲، ۶۸۳) که تقریباً بین سال های ۱۸۵۲-۱۸۵۵ و احتمالاً در سال ۱۸۵۵ گرفته شده (عکس ۱۲، نک: ۳۶۹۳) و نیز در موزه ی لوور پاریس (ش. ۷۷۸MAO)، (عکس ۱۳، نک: اس. ۳۶۹۳) دیده می شود. همزمان با دوره ی ناصرالدین شاه، در کشور همسایه ی عثمانی و در دوره ی سلطان عبدالحمید دوم نیز، آلبوم های عکس بسیار قطوری ایجاد شد. این آلبوم ها به شکلی یکسان ساخته می شدند، اما با هدف احیای تصویر آسیب دیده ی عثمانی در مقابل دنیای غرب با آلبوم های قاجاری تفاوت داشت. از نظر فاروقی، در اثر سیاست های موفقیت آمیز سلطان این تصویر احیا شد و هدف، داشتن جایگاهی سربلندانه و مدرن را دنبال می کرد (فاروقی، ۲۰۰۱: ۱۴۱). تفاوت اساسی در اینجا نیز، تلاش ها برای انجام تبلیغات یک دولت یکپارچه توسط سلطان عبدالحمید دوم عثمانی و ترسیم تصویری از پادشاه قاجار به عنوان فردی قدرتمند توسط ناصرالدین شاه بود.

عکس ها سندی برای شکل بناها قبل از بازسازی و یا ساختمان هایی که امروزه دیگر وجود ندارند، است. تصویر مناظر شهری برای مورخان شهر، مورخان صنعت و هنر و متخصصان جغرافیای تاریخی منبعی بی نظیر ایجاد کرده است، همراه با ساختمان ها و مناظر شهری، مستندی برای طبقه های مختلف جمعیتی، سبک پوشش اهالی درباری و دیگر هنجارها و ارزش های اجتماعی نیز هستند. ژست صاحب منصبان قاجاری در مقابل لنز دوربین در مکان های طراحی شده و خاص انجام شده است و این طراحی ها با خواسته های افراد در اینکه در کدام طیف اجتماعی قرار داشتند در یک راستا واقع شده است. بیشتر اوقات صندلی یا مبلی که بر روی آن می نشسته اند، به سبک اروپایی بوده و یا همراه با اشیایی که از اروپا آورده شده بود پز می دادند. جنبه ی بسیار مهم آلبوم های درباری قاجار، نوشته های زیر عکس هاست که نشان می دهد متعلق به چه کسی می باشد، همان نوشته ها درباره ی عکاس آن ها نیز اطلاعاتی به ما می دهند. این نوشته ها در مقایسه با دیگر اسناد و امضاها همانند آنچه در امپراطوری عثمانی وجود دارد نشان دهنده اینست که همیشه اقلیت مذهبی از نزدیک با این فن سروکار داشته اند.

### منابع

- افشار، ایرج، ۱۹۹۲، "برخی از اظهار نظرها در تاریخ اولیه ی عکاسی در ایران"، ادموند باسورث- کارول هیلنبرند، (ویراست) قاجار ایران: اصلاح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۸۰۰-۱۹۲۵. کالیفرنیا: کستامزا.
- امانت، عباس، ۱۹۹۸، "قاجار ایران: بررسی اجمالی تاریخی"، لیلا اس. دیبا-مریم اختیار، (ویراست) نقاشی های فارسی سلطنتی دوره قاجار ۱۷۸۵-۱۹۲۵، بروکلین، نیویورک: ۱۴-۲۹.

- اختیار. ام، ۱۹۹۴، دارالفنون: اصلاحات آموزشی و توسعه فرهنگی در ایران دوره قاجار، (رساله دکتری چاپ نشده)، نیویورک: دانشگاه نیویورک.
- فاروقی، اس، ۲۰۰۱، تاریخ عثمانی چگونه بررسی می شود، استانبول.
- قاضی ها، اف، ۱۹۹۸، روزنامه حضرت ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، تهران.
- .....، ۲۰۰۰، روزنامه ی حضرت ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان، تهران.
- اعتمادالسلطنه، ۱۸۷۹، مرآت البلدان ناصری، تهران.
- استین.د، ۱۹۸۹، سه سنت عکاسی در ایران قرن ۱۹، مقرنس، ۶، ۱۱۲-۱۳۰.
- طهماسب پور، ام.ار، ۲۰۰۲، ناصرالدین شاه عکاس، تهران.
- ورنویت، اس، ۱۹۹۷، پیروی از فرهنگ و تمدن شرقی، هنر اسلامی در قرن ۱۹م، مجموعه ای از هنر ناصر.د.خلیلی، ۲۳، لندن.
- وورمن، جی.ام. و مارتینز، تی.اچ، ۱۹۹۹، " نخستین عکاسی در ایران و حرفه ی آنتوان سوروگین"، (ویراست) فردریک بوهر، سوروگین و تصاویر فارسی در ایران، ۱۸۷۰-۱۹۳۰، واشنگتن.
- اوزون، تولگا، ۲۰۰۵، صنعت چهره پردازی قاجار در نیمه دوم قرن نوزدهم: پرتوهای ناصرالدین شاه، (رساله ی دکتری چاپ نشده)، آنکارا، دانشگاه حاجی تپه.